

The relationship between the principle of the necessity of observing fair legal procedures and human rights in international law

Mohsen yosefi qasabsorayi¹, Hasan soleimani², Ali porqasab amiri³

Abstract

Field and Aims: Today, the most important criteria for defining the principle of "need to observe legal and fair procedures" is to protect the human person against the arbitrary behavior of governments, and against the arbitrary suspension of fundamental human rights and freedoms. Failure to comply with the principles of necessity and proportionality, which is required by this principle, especially during criminal trials, causes the international responsibility of governments.

Method: The present research was carried out with a descriptive analytical method.

Finding and Conclusion: The right to access to an impartial and independent court, the right to a speedy trial, the principle of acquittal, etc. are among the rights that, along with the rule of law and judicial independence, are closely linked with other elements, especially "democracy". And "legality" constitutes the content of the principle of the necessity of observing legal and fair procedures. This principle is an attempt to reduce the authority of the government to the level of a principled and legal system, and it is a guarantee that human beings are not deprived of life, freedom and property. Therefore, the principle of the necessity of observing legal and fair procedures, without being specific to a fair trial or judicial independence, is addressed to the whole of the government, and therefore, actions outside the scope of the powers of the executive branch of the government, as well as the imposition of unprincipled laws and regulations or invalidated by the legislators.

Keywords: legal procedures, human rights, international law, rule of law.

*Citation (APA): yosefi qasabsorayi, M., soleimani, H., porqasab amiri, A. (2022). The relationship between the principle of the necessity of observing fair legal procedures and human rights in international law. *International Legal Research*, 15(55), 557-575.

https://alr.ctb.iau.ir/article_694110.html?lang=en

1. PhD student of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.Email: Mohsenyosefi876@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran (author).Email: hsoleimani20@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.Email: aliamiri20@yahoo.com

مناسبات اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی، عادلانه و حقوق بشر در حقوق بین الملل

محسن یوسفی قصاب سرایی^۱، حسن سلیمانی^۲، علی پورقصاب امیری^۳

چکیده

زمینه و هدف: امروزه، مهم ترین معیار برای تعریف اصل «لزوم رعایت تشریفات قانونی و عادلانه»، حمایت از شخص انسان در برابر رفتار خودسرانه حکومت‌ها، و در برابر تعلیق خودسرانه حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری است. عدم رعایت اصول ضرورت و تناسب که مقتضای این اصل است مخصوصاً در جریان محاکمات کیفری، موجبات مسئولیت بین المللی حکومت‌ها را فراهم می‌سازد.

روش: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج: حق دسترسی به دادگاه بی طرف و مستقل، حق بر محاکمه سریع، اصل برائت، و... از جمله حق‌هایی است که در کنار حاکمیت قانون و استقلال قضایی، در پیوندی نزدیک با عناصر دیگر، به ویژه «دموکراسی» و «قانونمندی» محتوای اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی و عادلانه را تشکیل می‌دهد. این اصل، تلاشی در جهت کاستن قدرت اختیارات حکومت در حد یک نظام اصولی و قانونمند بوده، و تضمینی بر عدم محرومیت انسان از حیات، آزادی و مالکیت می‌باشد. بنابراین، اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی و عادلانه، بی آنکه اختصاصی به محاکمه عادلانه یا استقلال قضایی داشته باشد، مجموعه حکومت را خطاب قرار داده و از این قرار، اقدامات خارج از حدود اختیارات بخش اجرایی حکومت و نیز وضع قوانین و مقررات غیراصولی یا غیر قانونمند از سوی قانون گذاران را ممنوع و بی اعتبار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: تشریفات قانونی، حقوق بشر، حقوق بین الملل، حاکمیت قانون.

* استناددهی (APA): یوسفی قصاب سرایی، محسن؛ سلیمانی، حسن؛ پورقصاب امیری، علی. (۱۴۰۱). مناسبات اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی، عادلانه و حقوق بشر در حقوق بین الملل. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۵(۵۵)، ۵۷۵-۵۵۷.

https://alr.ctb.iau.ir/article_694110.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

رایانامه: Mohsenyosefi876@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: hsoleimani20@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. رایانامه: aliamiri20@yahoo.com

مقدمه

حقوق بشر که برای هرکس یک حمایت حقوقی جامع و برای دنبال کردن نقشه‌های زندگی فردی، یک فرصت برابر را تضمین می‌کند، مسلماً واجد ارزشی ذاتی است. اما، برای تحقق این محتوا و ارزش ذاتی، باید ظرف اجتماعی مناسب موجود باشد. این ظرف اجتماعی مناسب، در عرصه بین‌الملل در قالب اسناد و معاهدات بین‌الملل صورت‌بندی می‌گردد. (، ۱۳۸۰: ۷۰)

امروزه تقریباً همه‌جا سخن از حقوق بشر است و کمتر کسی آشکارا با کل این ایده مخالفت می‌ورزد. ما چه برای فهم و چه برای نقد یکدیگر به سراغ گنجینه واژگان حقوق بشر می‌رویم (کلاپهام، ۱۳۱۳۸۹: ۱) لذا به آسانی می‌توان پذیرفت، سازمان ملل متحد از زمان آغاز فعالیت خود برای تضمین ترویج و حمایت از حقوق بشر در سراسر جهان کوشش کرده است. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی نخستین و احتمالاً مهم‌ترین گامی بود که سازمان ملل متحد در راستای پیشبرد تعهد الزام‌آور به ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برداشت. اگرچه اعلامیه جهانی از لحاظ فنی الزام‌آور نیست، اما اثر آن از انتظارات طراحانش بسیار فراتر رفته و در سطح گسترده‌ای به‌عنوان اجماع نظر جهانی در مورد حقوق بنیادین پذیرفته شده است. نیت اصلی مبنی بر پیگیری سریع اعلامیه با فهرستی از حقوق الزام‌آور و لازم‌الاجرا، تحقق نیافت. تنها بعد از هجده سال در مورد متن میثاق‌های بین‌المللی اجماع حاصل شد و پس از آن ده سال طول کشید تا این اسناد برای لازم‌الاجرا شدن، تصویب‌های کافی را به دست آورند.

بی‌تردید در روابط بین کشورها، معاهدات بین‌الملل، نقش مهم و محوری را ایفاء می‌کنند و به دلیل نقش عمده و گسترده اعلامیه‌ها و قطعنامه‌ها، در توسعه و تحوّل حقوق بشر بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته، به‌نحوی که در توسعه و تثبیت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر از طریق انعقاد معاهدات به‌ویژه در مورد هنجارهای موسوم به نسل دوم و سوم حقوق بشر، یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق جمعی (همچون توسعه، محیط‌زیست، صلح و میراث مشترک بشریت) سهم به‌سزایی داشته و مورد پذیرش کشورهای طرف معاهدات بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته‌اند. (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۲۳۶) لذا در این مقاله به این امر می‌پردازیم که چه مناسباتی میان اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی، عادلانه و حقوق بشر در حقوق بین‌الملل وجود دارد؟

1. Universal Declaration of Human Rights.



۱. قواعد حاکم بر اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی در حقوق بین الملل

با به چالش کشیده شدن رژیم‌های استبدادی از سوی نیروهای طرفدار رژیم‌های دموکراتیک، مسائل مهم بسیاری در خصوص چگونگی حاکمیت قانون بر رفتار شهروندان مطرح گردیده است. تکرار تاریخ، چه تاریخ باستان و چه تاریخ مدرن، حاکی از آن است که اولین ویژگی یک رژیم دموکراتیک آزادی خواه، احترام به حکومت قانون می‌باشد. در این راستا، حکومت قانون دکترینی است که از فلسفه‌ای کهن نشأت می‌گیرد و دورنمای تشریفات قانونی مطرح در رسیدگی‌های قضایی را نیز تشکیل می‌دهد. در این اینجا ضمن تشریح رویدادها و چالش‌ها، به روش‌هایی اشاره می‌شود که براساس آن‌ها، چگونگی استقلال این تشریفات از مبانی حاکمیت قانون مشخص می‌شود. پیگیری تاریخچه تشریفات قانونی از زمان ارائه مفاهیم اولیه حاکمیت قانون، معیار مناسبی را پدیدار می‌سازد که براساس آن امکان سنجش چگونگی تکامل و توسعه دکترین مطرح در این حوزه فراهم می‌گردد. این اقدام همچنین می‌تواند به‌عنوان واکنشی مثبت نسبت به گرایش روزافزون محققان سیاسی و حقوقی معاصر نسبت به حاکمیت قانون در نظر گرفته شود. (آستین^۱، ۲۰۰۹: ۲۹۳-۲۹۱) البته هدف از انجام این کار، مشخص ساختن چگونگی اثرگذاری حاکمیت قانون و به‌طور خاص، آن دسته از پاراگراف‌هایی است که به تشریفات قانونی مطرح در سیستم قضایی مربوط می‌گردند.

در حال حاضر با توجه به اهمیتی که منشور ملل به پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به‌عنوان یکی از اهداف سازمان قائل شده است (ماده اول) و با در نظر گرفتن تعهد اعضای سازمان در این خصوص (ماده ۵۶ عطف به ماده ۵۵)، اختیارات بالقوه‌ای سازمان ملل در حیطه حقوق بشر، بر بنیان استوار منشور قرار دارد. در مجموع با بررسی اعلامیه‌های حقوق در کشورهای مختلف بویژه اعلامیه‌های حقوق آمریکا (۱۷۹۰) و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۲۶ اوت ۱۷۸۹) و تطورات آن تا زمان حاضر و همچنین اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸) که در برگیرنده بیشتر حقوق و آزادی‌هاست، مفاهیم آن به اشکال مختلف در قوانین اساسی مدون اکثر کشورها در جهت اصل امنیت فردی دیده می‌شود. با این حال، در ادامه نیاز است به مهم‌ترین مصادیق و قواعد منجز اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی و عادلانه در حقوق بین‌الملل که با صلاحیت قضایی دولت‌ها مرتبط است، به آن‌ها اشاره گردد:

۱-۱. اصل منع مجازات مضاعف در نظام‌های حقوقی

یکی از قواعد و اصول معتبر و اساسی حاکم بر رسیدگی‌های کیفری، فقدان تجویز رسیدگی در خصوص موضوعی است که یک‌بار مورد رسیدگی واقع شده و واجد اعتبار امر مختوم کیفری

1. Stein



گشته است. (جعفری، ۱۳۹۰: ۱۹۴) با وجود این، منع محاکمه یا مجازات مجدد^۱ به این معنا است که نباید یک شخص را به خاطر یک جرم دو بار محاکمه یا مجازات کرد. مقتضای عدالت آن است که هیچ کس برای یک جرم بیش از یک بار تعقیب، محاکمه و یا مجازات نشود. بنابراین در مورد شخصی که بیش از یک کشور صلاحیت تعقیب وی را داشته باشند چه باید کرد؟ آیا محکومیت یا تبرئه وی در یک کشور، مانع تعقیب وی از جانب کشور دیگر می‌شود؟

حقوق بین‌الملل پاسخ روشنی ارائه نداده است، گرچه ماده ۱۳ طرح پیش‌نویس کنوانسیون هاروارد مقرر داشته که حداقل از حیث اعمال صلاحیت مورد نظر پیش‌نویس کنوانسیون، هیچ کشوری نباید بیگانه‌ای را که در کشوری دیگر به دلیل جرمی تحت تعقیب قرار گرفته به لحاظ همان فعل یا ترک فعل مورد تعقیب یا مجازات قرار دهد، خواه فرد مذکور در ماهیت دعوا تبرئه شده، یا محکوم گشته، یا مورد عفو قرار گرفته باشد. حالت دوم؛ عمل مجرمانه فرد تابع قانون ملی حاکم بر همان فعل یا ترک فعل ارتكابی و در حیطه صلاحیت دادگاه ملی ذی‌ربط است. علی‌الاصول این فرد طبق طرح پیش‌نویس محاکمه نخواهد شد مگر اینکه یکی از استثناءهای زیر اعمال شود:

الف) چنانچه عمل مجرمانه فرد صرفاً به وسیله دادگاه ملی به‌عنوان جرم عادی و نه از نوع جدی‌تر آن (برای نمونه، به اتهام قتل و نه کشتار جمعی) محاکمه شده باشد.
ب) اگر جریان رسیدگی در دادگاه ملی بی‌طرفانه یا مستقل نبوده باشد. (والاس، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۵)

در حال حاضر اصل منع مجازات مضاعف به اصل کلی حقوقی تبدیل شده است که به وسیله اغلب نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده است.^۲ ماده ۱ کنوانسیون هاروارد در تعریف اصل منع مجازات مضاعف مقرر می‌دارد که؛ «اگر اثبات شود که یک شخص خارجی در دولت دیگری برای جرمی که همان عناصر مادی را دارد، مورد تعقیب قرار گرفته و تبرئه یا مجازات شده و یا مورد عفو قرار گرفته است، هیچ دولتی نباید آن شخص را مورد تعقیب یا مجازات قرار دهد».^۳ این مقرر اصل منع مجازات مضاعف را به «اشخاص خارجی» محدود کرده است و به اعمال این اصل در رابطه با اتباع یک دولت که در خارج از سرزمین متبوع خود مرتکب جرم می‌شوند توجهی ندارد. علاوه بر این بند ۷ ماده ۱۴ میثاق به اصل منع مجازات مضاعف به‌عنوان یک حق بشری اشاره دارد و بیان می‌دارد؛ که هیچ شخصی برای جرمی که قبلاً طبق یک قانون و در یک

1. Non double Jeopardy or Ne Bis in Idem

۲. از این قاعده در نظام حقوقی کامن‌لا به‌عنوان (Double Jeopardy Principle) و در نظام حقوقی رومی-ژرمنی تحت عنوان قاعده (Non bis in Idem) یاد می‌شود که در مجموع منظور این است که کسی را نمی‌توان برای ارتکاب جرم واحدی دو بار محاکمه و مجازات کرد.

3. Harvard Draft Convention on Jurisdiction with Respect to Crime, (1935) Art. 15

دادگاه محکوم شده و یا تبرئه شده است، مجدداً مسئول نخواهد بود.^۱ باید توجه داشت که اولاً؛ این ماده صرفاً صدور حکم نهایی مبنی بر محکومیت یا برائت را مشمول این اصل می‌داند و شامل آغاز رسیدگی قضایی نمی‌شود. ثانیاً؛ صدور حکم مانع از رسیدگی مجدد در مواردی که رسیدگی غیابی بوده است، نمی‌شود. در این خصوص کمیته حقوق بشر بر این باور است که این ماده اصل منع مجازات مضاعف، شامل همه کشورها نمی‌شود و لذا این اصل صرفاً در نظام حقوق داخلی کاربرد دارد. همچنین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا در ماده ۹ و همچنین دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق این اصل را پذیرفته‌اند. باین حال، رویه این دو دیوان نشان داده که می‌توان یک شخص را برای عملی که متضمن دو عنوان مجرمانه یعنی مسئولیت مرکب است، مجازات نمود.^۲ با وجود این، برخی دولت‌ها در زمانی که شخصی در دادگاه خارجی از اتهامی تبرئه شده است، امکان رسیدگی مجدد را برای خود حفظ می‌کنند. (فین دی^۳، ۲۰۰۹: ۲۲۵) اما نکته قابل توجه این است که، با اینکه در عرفی بودن اصل منع مجازات مضاعف در روابط میان کشورها تردید وجود دارد، اما در اینکه این اصل در حقوق داخلی به عنوان یک حق بشری لازم‌الاجراء تلقی می‌شود، هیچ تردیدی وجود ندارد (سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

۱-۲. اصل منع استنکاف از عدالت، ناظر بر صلاحیت قضایی دولت‌ها

اصل منع استنکاف از عدالت، یکی از مصادیق اصلی دسترسی به عدالت محسوب می‌شود و یکی از اصول اختصاصی است که ناظر بر صلاحیت قضایی دولت‌ها است. ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد؛ «تمام اشخاص در برابر محاکم و دادگاه‌ها برابرند. هر کس در طرح مسئولیت کیفری علیه وی یا برای طرح حقوق و تعهداتش در یک دعوا، حق دارد تا از رسیدگی منصفانه و عمومی توسط یک محکمه صالح، مستقل و بی‌طرف که طبق قانون تأسیس شده است، برخوردار شود».^۴ به موجب این ماده، تمام دولت‌های عضو میثاق متعهدند تا دادخواهی اشخاصی را که در صلاحیت آن‌هاست، مورد رسیدگی قرار داده و از بی‌پاسخ ماندن آن ممانعت نمایند. این تعهد موجب می‌شود تا دولتی بتواند به استناد اعمال اصل دسترسی به عدالت، صلاحیت فرا سرزمینی خود را اعمال نماید. اما باین حال، از آنجا که ماده ۱۴ صرفاً از «دادگاه صالح» سخن به میان می‌آورد و معیار دادگاه صالح را مشخص نمی‌کند، در مواردی که هیچ دولت دیگری تمایلی به

1. International Covenant on civil political rights. (No one shall be liable to be tried or punished again for an offence for which he has already been finally convicted or acquitted in accordance with the law and penal procedure of each country).

2. Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, UN Doc. A/CONF. 183/9, Art. 15.

3. Finday

4. International covenant on civil and political rights, (14). (all persons shall be equal before the courts and tribunals. In the determination of any criminal charge against him or of his rights and obligations in a suit at law, everyone shall be entitled to a fair and public hearing by a competent independent and impartial tribunal established by law).

استماع دادخواهی یک شخص نداشته باشند، استناد به این اصل می‌تواند اعمال صلاحیت قضایی بر مبنای معیارهای نامتعارف را منجر شود. (بینگهام^۱، ۲۰۱۰: ۱۳۸) با این حال، اصولاً اصل «منع استتکاف از عدالت» در دو وضعیت خاص، یکی در خصوص بیگانگان و دیگری در خصوص جرائم مشمول صلاحیت جهانی، دولت‌ها را «متعهد» به اعمال صلاحیت قضایی فرا سرزمینی می‌کند. چراکه حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی، تعهداتی را بر دولت‌ها در رابطه با بیگانگان تحمیل می‌کند که می‌تواند حوزه صلاحیت قضائی دولت را تحت تأثیر قرار دهد. اینکه بیگانگان باید با اتباع یک دولت در برابر قانون برابر باشند، شامل دسترسی آن‌ها به عدالت نیز می‌شود.^۲ در این خصوص «همان‌طور که اتباع یک دولت می‌توانند در مراجع قضائی به‌عنوان خواهان یا خوانده حضور یابند، اتباع بیگانه نیز از چنین حقی برخوردار بوده و هرگاه بر اثر تخلف از مقررات در اجرای وظیفه قضایی، حقوق بیگانگان تضییع شود به‌منزله استتکاف از عدالت تلقی و موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود». (قاسمی شوب، ۱۳۸۳: ۱۵۰) باید توجه داشت که حق دسترسی به دادگاه، صرف نظر از حقوقی است که بیگانگان از دولت محل حضور برخوردار شده‌اند و موضوع دعوا قرار می‌گیرد. (تیبورسیو^۳، ۲۰۰۱: ۲۴۷)

همین رویکرد، در خصوص معیارهای اصل استتکاف از احقاق حق، معیارهای مختلفی مطرح شده است. برای نمونه، در داوری آمباتیلوس، اصل دسترسی به دادگاه چنین تعریف شده است: «بیگانه باید از آزادی مطلق برای حضور در دادگاه چه به‌عنوان خواهان و چه به‌عنوان خوانده برخوردار باشد تا بتواند از حقوق خود دفاع کند، و یا هر دعوایی که طبق قانون امکان اقامه آن وجود دارد، بتواند مطرح نماید.^۴ در مجموع، معیارهای اصلی اصل استتکاف از احقاق حق در قالب مصادیقی چون؛ ممانعت از دسترسی بیگانه به دادگاه، امتناع دادگاه از استماع دعوا، تأخیر نامعقول در رسیدگی به دعوا، قضاوت ناعادلانه، نامعتبر بودن اسناد مستند دعوا، اجرای بسیار نامناسب عدالت خلاصه نمود. در این میان، برخی معتقدند که تنها استتکاف از احقاق حق در شکل اول، یعنی پرهیز دادگاه از استماع دعوا می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت را به همراه داشته باشد.

۱-۳. اصل منع سوءاستفاده از حق، در صلاحیت قضایی

یکی دیگر از اصول حاکم بر صلاحیت قضایی، منع سوءاستفاده از حق است که در غالب نظام‌های حقوقی پیشرفته معاصر به رسمیت شناخته شده است، که وارد حقوق بین‌الملل نیز شده است. این

1. Bingham
2. Universal Declaration of human rights, (7). (All equal before the law and are entitled without any discrimination to equal protection of the law. All are entitled to equal Protection against any discrimination in violation of this declaration and against any incitement to such discrimination).
3. Tiburcio
4. Grees v. United Kingdom ,Award , 6 March 1956, 23 ILR 306. at p 325

اصل با اصول حُسن نیت رابطه نزدیکی دارد و با اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها نیز قرابت و نزدیکی دارد. این اصل متضمن این مفهوم است که دولت‌ها نباید به بهانه تعقیب حقوق خود در مواردی که منافع مشروع ملی برای آن‌ها به همراه ندارد، نباید علیه دولت دیگر استفاده نمایند.

در این راستا، حقوقدان معروف مایکل آکهرست معتقد است که، سوءاستفاده از حق در عرصه قانون‌گذاری (صلاحیت قانونی) زمانی محقق می‌شود که «قانونی با هدف لطمه وارد کردن به دولت دیگر و بدون دنبال کردن منافع مشروع برای دولت قانون‌گذار وضع می‌شود» و یا «قانون باهدف پیشبرد منافع مشروع قانون‌گذار، اما به‌طور غیرقانونی و به ضرر دولت دیگر تصویب شود». یکی از نمونه‌های سوءاستفاده از حق، جلوگیری از ورود خارجیان به داخل سرزمین است. هرچند دولت‌ها در ورود خارجیان به سرزمین خود اختیار دارند، اما اعمال تبعیض آمیز ناموجه آن، متضمن سوءاستفاده از حق خواهد بود. همچنین، این مجازات در قانون هلمز-برتون، توسط آمریکا، علیه اشخاصی که با اموال مصادره شده آمریکا، توسط کوبا معامله می‌کردند، پیش‌بینی شده بود و در حال حاضر هم در خصوص برخی کشورها پیگیری می‌شود. به عبارت دیگر طبق این قانون اشخاص خصوصی به جهت اقدام دولت متبوع خود مجازات می‌شوند.¹

۲. تبیین استانداردهای دادرسی در میثاق‌ها و نظام‌های بین‌المللی حقوق بشری

استانداردهای دادرسی، آن دسته از اصولی از آیین دادرسی هستند که مفاهیم اصلی عدالت را در حل و فصل اختلافات تبیین می‌نماید. و منظور از ارزشی بودن استانداردهای دادرسی این است که این استانداردها مبتنی بر واقعیت‌هایی هستند که احتیاجات و اشتیاق‌های گوناگون انسان را برآورده می‌سازد. (صانعی، ۱۳۸۱: ۳۵۲) منشور ملل متحد را به لحاظ تاریخی می‌توان یکی از مهم‌ترین معاهدات پس از جنگ دوم جهانی دانست. باین حال، پیش از منشور نیز معاهداتی مانند میثاق جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ و یا کنوانسیون منع برده‌داری در سال ۱۹۲۶ و کنوانسیون مربوط به کار اجباری که در سال ۱۹۳۰ به تصویب رسیده‌اند، که از جمله معاهدات حقوق بشری به شمار می‌روند. البته باید توجه داشت که میثاق جامعه ملل، معاهدات حقوق بشری به معنای خاص آن نبوده، بلکه بخش‌هایی از آن‌ها به حقوق بشر اختصاص داده شده است.

از نظر حقوق بشر بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر بی‌تردید نقطه عطف اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. شمار اسناد بین‌المللی که صریحاً یا تلویحاً به حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه اشاره کرده‌اند، بسیار زیاد است. که عبارت‌اند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ (مواد ۱۰ و ۱۱)

1. Inter- American Juridical Committee Resoution on the Opinion of the Inter- American Juludical Committee in Fulfillment of Resolution ag/Doc.3375/96 of the General Assembly of the Organization of American States, Entitled " Freedom of Trade and Investment in the Hemisphere", CJI/RES.II-14/96,1996.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ (مواد ۱۵، ۱۶، ۲۶، ۹، ۱۱، ۱۴)، ماده مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، ماده ۷ پروتکل الحاقی (اول) به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، ماده ۶ پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون‌های مشترک ژنو ۱۹۴۹، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، مواد ۲، ۳، ۴ پیمان‌نامه حقوق کودک، ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱۵ از قواعد حداقل برای دادرسی کودکان و نوجوانان (قواعد بیجینگ) و دیگر اشکال رفتارهای خشن غیرانسانی. در این خصوص، ماده ۱۴(۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «... هر کس حق دارد که به دادخواهی او، منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح که به نحو مستقل و بی‌طرف تشکیل شده است، مطابق قانون رسیدگی شود. تا آن دادگاه، درباره حقایق اتهامات کیفری علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی، تصمیمی اتخاذ نماید».

در انتها باید یادآور شد، کمیته حقوق دانان حقوق بشر در سال ۲۰۰۰ و سازمان عفو بین‌المللی، دادرسی منصفانه را، قاعده‌ای از حقوق بشر می‌دانند که به‌منظور حمایت از اشخاص در مقابل محرومیت یا کاهش خودسرانه و غیرقانونی حقوق و آزادی‌های اساسی در نظر گرفته شده است. (تدین و باقری نژاد، ۱۳۹۰: ۲۱۷) چندان که، شعبه تجدیدنظر دیوان تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی سابق در پرونده «فورندزیجا» اشعار داشته است: «این اصل که لازم است متهم نزد دادگاهی صالح و مستقل محاکمه شود جزء لاینفک اصل ضرورت محاکمه منصفانه متهم، از حقوق اساسی وی بوده و مورد قبول همگان است». (جلالی و زیلابی، ۱۳۹۴: ۲۶۰) در حال حاضر، حق بر دادرسی عادلانه و منصفانه به‌عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی (صابر، ۱۳۸۸: ۱۶۹) و آمره شناخته می‌شود، که عدول از آن جز در موارد استثنایی امکان‌پذیر نخواهد بود. حق متهم در برخورداری از دادرسی عادلانه، یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر است که مورد اتفاق کلیه اسناد حقوق بشری است. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۳۵)

۲-۱. قاعده سازی بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر در ارتقاء رعایت تشریفات قانونی

حقوق بشر، متضمن حقوقی هستند که از ماهیت ذاتی برخوردارند. این حقوق وابسته به افراد، زمان، مکان و یا شرایط خاصی نیستند و صرف نظر از ملیت، نژاد، جنسیت، رنگ، مذهب، زبان یا سایر وضعیت‌های دیگر، به تمام آبناء بشری تعلق دارند. (طلعت، ۱۳۹۴: ۱۵)

از نظر حقوق بشر بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر بی‌تردید نقطه عطف اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. این اعلامیه که در سال ۱۹۴۸^۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد

1. The Universal declaration of human rights (1948)



رسید، به عنوان سندی که مادر اسناد حقوق بشری دوره حاضر است، که بیشترین نقش را در توسعه حقوق بشر بین‌المللی ایفا کرده است.

از اعلامیه جهانی حقوق بشر خیلی زود دو سند که از لحاظ الزام آور بودن با آن تفاوت ماهوی داشتند، پدیدار گشت؛ یکی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. این دو سند مهم بین‌المللی حقوق بشر در حقیقت بر مبنای اعلامیه مزبور تدوین شده و استانداردهای اعلامیه را توسعه داده و مشخصه الزام آور به منظور عملیاتی کردن آن ارائه داده‌اند. مجموعه اعلامیه و دو میثاق یادشده به عنوان منشور بین‌المللی حقوق بشر شناخته می‌شوند. (قاری‌اشید فاطمی، منبع پیشین: ۲۰۹)

حال لازم است در این مختصر، نظری بیفکیم بر مباحث حقوقی و مبانی حقوق بشری که در دوره‌های اخیر در مورد حق مقاومت در برابر ظلم و تجاوز به حقوق انسان‌ها از سوی دولت‌ها مطرح شده است و به عنوان منبع اطاعت از قانون و عدم مخالفت با نظم عمومی، مشروعیت حق مقابله با ظلم و اجحاف و تجاوز قدرت حاکم مورد بحث قرار می‌گیرد. که در این میان، حق مقاومت در برابر ظلم و فشار، به طور تلویحی در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

بند دوم مقدمه اعلامیه این گونه تدوین شده است: «... از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد، تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار، مجبور نگردد...». یعنی اگر حقوق انسانی بشر رعایت نشد، ناچار می‌تواند دست به قیام بزند. (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۴۸) مع‌ذلک، امروزه «حقوق بشر در فرایند قاعده‌سازی بین‌المللی، جایگاه ویژه‌ای به دست آورده است»، (شریفی طرازکوهی، ۱۳۸۰: ۱۰) تدوین جهانی حقوق بشر و تصویب پیمان‌نامه‌های دو گانه ۱۹۶۶ حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع مجازات کشتار جمعی ۱۹۵۱، کنوانسیون مقابله با شکنجه ۱۹۸۴، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و کنوانسیون کارگران مهاجر ۱۹۹۰، کنوانسیون آپارتاید، و ده‌ها اعلامیه و معاهده بین‌المللی و منطقه‌ای دیگر، بیانگر این واقعیت است که هسته اصلی نظام بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر تکوین یافته و در این راستا توجه به کرامت بشری و اهتمام ویژه به انسان، به عنوان محور پارادایم اصلی دوران پس از جنگ سرد، عامل پیشرفت نظم حقوقی بوده است. به نحوی که ظرفیت تحول در ساختار و کارکرد نظام بین‌المللی و رژیم حقوقی آن با انسانی شدن، در کنار توجه به حاکمیت و تعدیل آن، با توسعه و گسترش قواعد و اجرای حقوق بشر ارتباط دارد. البته می‌توان گفت، نظر به اینکه نظام حقوق بشر و سیر تحول آن در عرصه قاعده‌سازی، تابع منطق حقوقی است. و بررسی مسائلی از قبیل مبانی و اوصاف قاعده حقوقی و واقعه اجتماعی و همچنین جنبه‌های معرفت‌شناختی - وجود شناختی نظام بین‌المللی و تعامل آن دو و تبیین مؤلفه‌ها و عوامل

حقوقی و غیرحقوقی، تکوین و ایجاد هنجارهای حقوق بشر، ضروری می‌نماید. (ذاکریان، ۱۳۸۸: ۱۰۲) در واقع، عمده حقوق و آزادی‌های مصرّح در اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواردی هستند که مورد قبول عموم ملل دنیا و مکاتب مختلف اخلاقی و مذهبی است که بسیاری از آن‌ها در تعالیم مذاهب آسمانی و بخصوص آیین اسلام به بهترین وجهی بیان شده و برای دستیابی به آن‌ها مجاهدت شده است. بی‌جهت نیست که آن را «انجیل انسان‌گراها» نامیده‌اند. (مهرپور، ۱۳۷۴: ۳۲۹)

بدین ترتیب، بشر دارای حقوق و آزادی‌هایی است که در حقوق بین‌الملل نوین از آن به حقوق بشر یاد می‌شود. اگرچه این حقوق، ریشه در فطرت انسانی داشته و به عبارتی از مصادیق حقوق طبیعی نوع بشر محسوب می‌شود، اما به دنبال تحولات عمده حقوق بین‌الملل در قرون اخیر و به‌ویژه انقلاب کبیر فرانسه و متعاقباً صدور اعلامیه حقوق بشر و شهروند، به معنای امروزی خود، رخ‌نمایی کرده، که نقطه عطف این رونمایی‌ها نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر است. با این‌همه، هرچند سخن گفتن پیرامون مصادیق حقوق بشر و تنظیم استانداردهای بین‌المللی آن، موضوع حساس در پرتو شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ملت‌های مختلف، به گونه‌های متعدد تفسیر می‌شود، ولی به‌طور کلی می‌توان آن را معادل حقوق اساسی و غیرقابل‌تردیدی دانست که برای زندگی نوع بشر ضروری است. (دبیری، ۱۳۹۵: ۱۸۶) حتی یکی از اصلی‌ترین مصادیق بارز حقوق خواهان و خواننده که در بین اسناد حقوق بشری جایگاه ویژه‌ای دارد، حق رسیدگی مؤثر است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۸ مقرر می‌دارد: «در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کند و آن حقوق، طبق قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد». حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالح، به نوع برگردان واژه^۲ در متن انگلیسی اعلامیه جهانی حقوق بشر است. بعضی از مترجمان حقوق، این عبارت را به «جبران مؤثر» و برخی به «رسیدگی مؤثر» تعبیر کرده‌اند. افزون بر این، اعلامیه جهانی حقوق بشر، در واقع، تأکیدی بر تحقق رسیدگی عادلانه نسبت به اصحاب دعواست. این رسیدگی‌ها و اثرات آن می‌تواند دارای جنبه‌های کیفری، مدنی، اداری، صنفی و غیره نیز باشد.

۲-۲. ماهیت اصل رعایت تشریفات قانونی در حقوق بشر دوستانه

حقوق بشر دوستانه، شاخه‌ای یا بخشی از حقوق جنگ یا حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه است که امروزه با توجه به توسعه، تحول و تکامل مقررات و قواعد حقوق بشر دوستانه باید آن را شاخه‌ای مستقل از شاخه‌های حقوق بین‌الملل و سیستمی جامع قلمداد نمود. به عبارتی؛ حقوق بشر دوستانه، مجموعه مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل است، که ضمن تعیین حقوق حمایت از

1. Bible of Humanists
2. Effective Remea

افراد انسانی، اعم از رزمنده یا غیر رزمنده (غیرنظامی) و اموال غیرنظامی و حقوق طرف‌های متخاصم در مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی یا غیر بین‌المللی، تکالیف افراد انسانی و طرف‌های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می‌کند. در تعریف دیگر؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجموعه‌ای از قواعدی است که هدف آن محدود نمودن آثار مخاصمات مسلحانه بر روی اشخاص از جمله غیرنظامیان، اشخاصی که دیگر در جنگ مشارکت ندارند و حتی آن‌هایی که در جنگ هستند (نظامیان)، می‌باشد. برای نائل شدن به این هدف، حقوق بین‌الملل بشردوستانه دو حیطة را پوشش می‌دهد: حمایت از اشخاص و محدود نمودن ابزار و روش‌های جنگی است. (طلعت، ۱۳۹۴: ۳۱)

لازم به ذکر است، از آنچه در قسمت‌های پیشین گفته شد، اولین کنوانسیون ژنو در ۱۸۶۴ به تصویب رسید، که می‌توان آن را به عنوان نقطه عطف حقوق بین‌الملل بشردوستانه در نظر گرفت. اما این کنوانسیون هیچ گونه مقرره‌ای در ارتباط با اجرای خود ندارد. باینکه پس از تصویب این کنوانسیون پیشرفت‌های غیرقابل انکاری در عرصه نبرد حاصل شد، اما از نظر دولت‌های طرف این معاهده، «اصل وفای به عهد» پیرامون اجرای آن کافی به نظر نمی‌رسد.

در طول جنگ ۱۸۷۰، اجرای این کنوانسیون با نقض‌های متعدد و مهمی مواجه شد. از یک سو، این مسئله منجر به تقویت استدلال آن دسته شد که به ایده پذیرش هرگونه هنجار بین‌المللی به منظور کاهش آسیب به غیر رزمندگان تردید داشتند. از دیگر سو، این امر سبب مورد توجه واقع شدن استدلال آن دسته شد که قویاً به اهمیت چنین هنجارهایی برای کشف راه‌های جدید در بهبود رعایت آن‌ها باور داشتند. (عابدینی، ۱۳۹۳: ۴۴۴) در این هنگام، ایده دیوان بین‌المللی کیفری مطرح شد و تأسیس دادگاهی در ۱۸۷۲ از سوی «گوستاو مونیر»، در پرتو پیشرفت جامعه بین‌المللی جامعه مدنی بین‌المللی، قدرت علم و فرهنگ و تمدن انسانی، روز به روز توان نیروهای خودکامه و قانون ستیز را به تحلیل می‌برد. ارزش‌های بشردوستانه که در زمان‌های گذشته، فقط هنجارها و ارزش‌های اخلاقی مورد احترام انسان‌های نوع دوست و ارزش مدار بود و جنبه حقوقی بسیار ضعیفی داشتند، امروزه به عنوان مطرح‌ترین بخش حقوق بین‌الملل عمومی، پویایی خاصی یافته‌اند.

درواقع، امروزه منبع اصلی حقوق بشردوستانه، چهار کنوانسیون معروف به کنوانسیون چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو هستند. این چهار کنوانسیون که بعضی از آن‌ها بسیار مفصل و بالغ بر ۱۵۰ ماده و تعدادی ضمیمه دارند، جملگی در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به تصویب کنفرانسی که به منظور ایجاد کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حمایت از قربانیان جنگ از ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در ژنو تشکیل شد، به تصویب رسیدند و همگی در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا شدند. دو پروتکل الحاقی به این کنوانسیون‌ها نیز بعداً تصویب شدند که یکی مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه

بین‌المللی و دیگری مربوط به حمایت از قربانیان منازعات غیر بین‌المللی است. هر دو این پروتکل‌ها در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ به تصویب اجلاس دیپلماتیک ژنو در مورد تأیید مجدد و تودیع قوانین بین‌المللی بشردوستانه قابل اجرا در منازعات مسلحانه رسیدند و در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شدند. شرط لازم‌الاجرا شدن این دو پروتکل نیز، تودیع حداقل دو سند تصویب کشورهای ذکر شده است (ماده ۹۵ پروتکل اول و ماده ۲۳ پروتکل دوم). در همین راستا، نگاهی اجمالی به کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ژنو می‌پردازیم.

عناوین کامل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو عبارت است از:

- ۱) کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در جنگ زمینی؛
- ۲) کنوانسیون ژنو برای بهبود وضع مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در جنگ دریایی؛
- ۳) کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی؛
- ۴) کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در دوران جنگ. (مهرپور، منبع پیشین: ۲۵۱)

نکته قابل توجه این است که چهار کنوانسیون ژنو، در سطح بین‌المللی برای تمامی دولت‌ها لازم‌الاجرا هستند. (فلک، ۱۳۹۵: ۴۸)

در مجموع با توجه به مطالب فوق، به‌طور خلاصه کنوانسیون‌های ژنو اساساً فقط در مورد تمام مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اعمال می‌شوند، ولی این تعریف در سال ۱۹۷۷ گسترش یافت تا علاوه بر جنگ‌هایی که برای اعمال حق تعیین سرنوشت و خودمختاری ملت‌ها می‌گردد (پروتکل شماره یک)، قربانیان مخاصمات مسلحانه داخلی (پروتکل دوم) را نیز تحت پوشش قرار دهند. ساختار پروتکل دوم، توجه بیشتر بر اساس ماده ۳ مشترک چهار کنوانسیون ژنو می‌باشد که مقرر می‌دارد؛ برخی قواعد اساسی در درگیری‌های مسلحانه‌ای که ویژگی بین‌المللی ندارند، نیز اعمال می‌شوند. بر این اساس موارد خاص که صراحتاً مستثنی شده‌اند عبارتند از: اغتشاشات و تنش‌های داخلی مانند آشوب‌ها، اعمال خشونت‌بار انفرادی و پراکنده، و سایر عملیاتی که دارای ویژگی مشابهی هستند که باید به کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در طول مخاصمات مسلحانه اشاره کرد که در سال ۱۹۵۴ اتخاذ شده است.

هدف این کنوانسیون حمایت از اشیای فرهنگی و اماکن مذهبی، و به‌ویژه چیزهایی است که برای بقاء جمعیت غیرنظامی مثل؛ ذخایر آب، مواد غذایی، زمین‌های نظامی، از آن‌ها جهت پیشرفت عملیات نظامی استفاده انحصاری نمایند. متعاقب آن، جاسوسان و مزدوران از حمایت عام که اسرای جنگی یا رزمندگان از آن بهره‌مند هستند، محروم‌اند. بدین ترتیب که، طرف‌های متعاقد چهار کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های ضمیمه آن موظف هستند در تمام شرایط، مقررات مندرج در

آن اسناد را رعایت کنند. از طرف دیگر، ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را به‌عنوان جنایت جنگی قلمداد کرده که دیوان نسبت به آن‌ها صلاحیت رسیدگی دارد. از جمله: ارتکاب تجاوز، عنف، برده‌گیری جنسی، اجبار به فاحشگی، حاملگی اجباری، یا به هر شکل از دیگر اشکال خشونت جنسی که به‌منزله نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو می‌باشد، جنایت جنگی قلمداد شده است.

با توجه به مطالب فوق، با این حال، حقوق بشردوستانه اصولاً بر این فرض تکیه دارد که طرف‌های مخاصمه، اراده و ظرفیتی کافی برای رعایت مقررات حقوق بشردوستانه دارند، ولی یکی از ضعف‌های عمده حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ناکارآمدی در اجرای این حقوق می‌باشد. (افتخار جهرمی، ۱۳۸۴: ۹۵) از سوی دیگر، از آنجا که حقوق بشردوستانه بین‌المللی بیش از هر چیز خاستگاه اخلاقی و انسان‌دوستانه دارد، ضمانت اجراهای حقوقی و تدوین معاهدات بین‌المللی و نیز تشکیل دادگاه‌های کیفری و روش‌های تعقیب کیفری ملی و بین‌المللی و سایر ابزارهای بین‌المللی به نیروی اخلاقی آن، که باعث جذب حمایت دولت‌ها و نهادها و مؤسسات بشردوستانه و تلاش و فعالیت مؤسسات علمی و تحقیقاتی گردیده، نیروی مضاعفی بخشیده است.

واقعیت این است که قواعد اساسی حقوق بشردوستانه قدر مشترک همه فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی و ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی و حقوقی است. از این رو تاکنون هیچ کشور یا مکتبی یافت نشده است که با مقولات حقوق بشردوستانه سرسستیز داشته باشد. چون به‌هر حال اجرای حقوق بشردوستانه به نفع همه آنباب بشر است. هر کشور و دولتی ممکن است روزی با بلای خانمان‌سوز جنگ درگیر شود و نیازمند برخورداری مردمش از حداقل حقوق انسانی و قواعد محدودکننده برای قوای متخاصم باشد. از این رو ما باید در زمان صلح، فرصت را از دست ندهیم و زمینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را آن‌چنان مهیا سازیم که در زمان جنگ اگر نتوانیم از بروز خشونت جلوگیری کنیم، حداقل دامنه آثار و لطمات آن را محدود کنیم. لیکن، عمده‌ترین بخش قواعد حقوق بشردوستانه که رعایت آن‌ها در خلال درگیری مسلحانه از قدرت و اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد، قواعد مندرج در کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن مصوب ۱۹۷۷ است.

در این خصوص، تقریباً همه کشورهای جهان کنوانسیون‌های ژنو را پذیرفته‌اند و بیش از ۱۶۰ کشور عضو پروتکل اول و ۱۵۳ کشور عضو پروتکل دوم الحاقی به این معاهدات هستند. این آمارها که در کمتر معاهده بین‌المللی به چشم می‌خورند، نشانگر استقبال جامعه جهانی از ارزش‌های انسان‌دوستانه مندرج در معاهدات مذکور است. (سیاه رستمی، ۱۳۹۰: ۱) علاوه بر این، آن‌طور که همگان واقف‌اند، تا پیش از تصویب کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، بسیار اندکی در مجموعه حقوق بین‌الملل در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی وجود داشت. چنانکه، جنگ‌های

داخلی جز در موارد استثنایی، به حوزه مسائل حاکمیتی یا داخلی مربوط می‌شود. یعنی در منظومه حقوق بین‌الملل داخل نبود. (این وضعیت ابتدا در دهه ۱۹۳۰ و سپس در سال ۱۹۴۹ با وضع ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو که از دولت‌ها می‌خواست در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، حداقل حمایت‌ها را فراهم آورند، دستخوش تغییراتی شد). (مرون، ۱۳۹۱: ۱۵۴) در نهایت باید اضافه کرد، که این کنوانسیون‌ها فاقد مقرراتی هستند که در آن شرایط استناد به مسئولیت عادی در موارد نقض کنوانسیون‌ها توسط دولت متعاهدی که به منافع طرف متعاهد دیگر آسیب وارد می‌کند مشخص شده باشد، (کاسسه، ۱۳۸۸: ۳۸۶) و حقوق بشر دولت‌ها را در قبال افرادی که تحت حاکمیت و صلاحیت آنهاست، مسئول می‌داند (ممتاز و قربان نیا، ۱۳۸۵: ۶).

۳. ماهیت اصل تناسب و ضرورت بر رعایت تشریفات قانونی و عادلانه، در حقوق بین‌الملل

اصل تناسب مستلزم این است که تعلیق تعهدات با آنچه برای تأکید حالت اضطراری تهدیدکننده زندگی مردم ضروری است مدلل باشد. همچنین مستلزم این است که ضرورت عدول باید در فواصل معمولی و مشخص توسط قوه قضائیه و قوه مجریه بررسی شود. میزان نفوذ و دخالت در حقوق و قلمرو هرگونه اقدامی برای انحراف و عدول (هم شرایط سرزمینی که این اقدام در آن اجرا می‌شود و هم مدت آن)، باید با آنچه واقعاً برای مبارزه با حالت اضطراری تهدیدکننده زندگی ملت لازم است، رابطه منطقی داشته باشد.^۱

در حال حاضر، در معاهدات حقوق بشر، در قوانین حقوق بشر و عرف بین‌المللی به خوبی مورد توجه قرار گرفته که برخی از حقوق هرگز و تحت هیچ شرایطی معلق نمی‌شود (این حقوق مخصوصاً مربوط به رعایت تشریفات قانونی و عادلانه است). مانند؛ حق رهایی از شکنجه یا مجازات، سایر رفتارهای بی‌رحمانه غیرانسانی یا تحقیرکننده و حق عدم تعقیب به دلیل ارتکاب فعلی که در زمان ارتکاب جرم نمی‌باشد. اما هرچند هرگونه تعلیق در مورد تمام حقوق مذکور در میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکایی و کنوانسیون اروپایی، باید در تطابق با سایر تعهدات دولت‌های عضو در حقوق بین‌الملل، مانند حقوق بشردوستانه باشد. این بدان معناست، زمانی که کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن در طول مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی اجرا می‌شوند، حق دادرسی عادلانه در حقوق بشردوستانه، لازم‌الاجراست. (طه و اشراقی، ۱۳۸۶: ۲۸۰) از میان این مسائل، باید توجه داشت، به‌موجب میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولت‌ها می‌توانند تعهدات حقوق بشری معینی را در زمان شرایط اضطراری عمومی که زندگی

1. Manfred Nowak, UN.Covenant on civil and Political rights : CCP Commentary, NP Engeln, 1993, p.84.

مردم را تهدید می کند، معلق کنند. لذا ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به دولت‌ها اجازه می دهد تا مقررات معین حقوق بشر را تحت شرایط زیر معلق کنند:

(الف) وضعیت اضطراری بودن موقعیت صریحاً مستلزم چنین تعلیقی باشد.

(ب) تعلیق با سایر تعهدات بین‌المللی آن کشور تناقض نداشته باشد.

(ج) حالت اضطراری رسماً اعلام شود و دولت فوراً مجمع عمومی سازمان ملل را از حقوقی که معلق شده و دلایل آن را آگاه کند. در نتیجه، همان‌گونه که بحث شد؛ تنها حقوقی که معلق نمی شود، حقوق معین مندرج در ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است، که به طور خاص شامل حقوق دادرسی عادلانه نمی شود، اما متضمن همان حقوق است (ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی).

بحث و نتیجه گیری

اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی و عادلانه در مقایسه با سایر اصول کلی حقوقی، عرف بین‌المللی، رویه قضایی و حاکمیت قانون، در مهار رفتار خودسرانه مقامات عمومی، حکومت‌ها و در استقرار حاکمیت فرد در برابر حاکمیت دولت، تأثیر بسزایی داشته و اقتضائات جدیدی را می طلبد تا اعمال رعایت تشریفات قانونی، بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل عرفی، و از طریق تدوین و تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و فعالیت نهادهای حقوقی و قضایی بین‌المللی تبیین و ضرورت یابد. همچنین در کنار قانونمندی، دموکراسی، تثبیت تحولات جدید قوانین بین‌المللی را به حدی عادلانه سازد که مورد قبول اکثریت مخاطبین حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی گردد.

صرف نظر از آنچه در سال‌های متمادی در گوشه و کنار دنیا بر مردم جهان گذشته و حقوق انسانی آنان زیر پا گذاشته شده است، اجرای مفاد منشور ملل متحد، تحقق مفاهیم حقوق بشر، کنوانسیون‌ها، میثاق‌های متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای را از سوی سازمان ملل و سازمان‌های بشری، ضرورت مضاعف می طلبد. تا ضمن به تصویر کشیدن برخورداری انسان‌ها از حقوق قانونی خود، توجه حکومت‌ها را نیز به حقوق مذکور و عدم سوءاستفاده از قدرت و امکانات تحت اختیار خود در راستای تضییع حقوق انسان‌ها جلب نماید. در نتیجه آن آرمان‌های بشری بیش از پیش در سایه یک نظام قضایی عادل و بی طرف، متجلی گردیده و از هرگونه رفتار خودسرانه اجتناب شود. لذا برای پاسخگویی به پدیده‌های نوظهوری که جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است (مداخله بشردوستانه، دفاع پیشگیرانه، پدیده جهانی شدن، وابستگی و همبستگی اقتصادی و حتی اجتماعی، مانند حوزه فضای مجازی)، باید در راستای حاکمیت اصل تشریفات قانونی و عدالت حرکت نموده و نظام حقوق بین‌الملل از عهده مقتضیات مرتبط به چنین تحولاتی به خوبی برآید. به عنوان مثال، اعمال صلاحیت کیفری جهانی از سوی محاکم ملی نظام‌های مبتنی بر استقلال قضایی، نشانگر تحقق این اصل می باشد.

بدیهی است، ابداع مبانی و معیارهای جدید، باید سازگار با ساختار فعلی جامعه جهانی و منطبق با اصول و قواعد حاکم بر آن باشد تا استقلال و استقرار امنیت قضایی، عدالت قضایی و ایجاد نظم حقوقی و سرانجام دادرسی عادلانه را در روابط میان افراد جامعه و دولت با اتباع خود، به نحو مطلوب و مؤثر مهیا شود. زیرا؛ چنانچه قضات مستقل نباشند و تحت کنترل و نفوذ دیگران باشند، اختلافات طبق قانون فیصله نیافته، بلکه طبق خواسته کسانی حل و فصل خواهند شد که بر دادگاه اعمال نفوذ می‌کنند. در این رهگذر، رویکرد اصل لزوم رعایت تشریفات قانونی و عادلانه، بایستی در تقوای حفظ و ارتقای جایگاه خود در فاکتورهای عوامل حکمرانی مطلوب (یعنی دموکراسی، قانونمندی و حاکمیت قانون) و استانداردهای حمایتی تشریفات قانونی و عادلانه را، از طریق استقلال قضایی، که به‌عنوان آخرین پناه در تضمین و حمایت از شخص انسان است، بی‌توجه به نوع حکومت، به جامعه آزاد و عادلانه اصرار ورزد. لذا دولت‌ها مکلف‌اند، در ایفای بهینه کرامت، حیثیت و منزلت انسانی، تحصیل ادله را قانونمند، و قابلیت پذیرش آن‌ها را منوط به رعایت حریم خصوصی اشخاص نمایند، تا موانع دستیابی به رعایت تشریفات قانونی و عادلانه را، بدون اقدامات محدودکننده سلب آزادی‌های بنیادین انسان‌ها، فارغ از باورها، اعتقادات، تفاوت‌های عوامل زیستی، اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، اقتصادی خود که بر آن‌ها عارض شده است، (به‌جز حکم قانون) برطرف نموده و برای ارتقاء و اهمیت تضمین جهان‌شمولی و عینی بودن حمایت از پیشبرد هنجارهای حقوق بشر، را مورد تأکید قرار دهند.

منابع

- آقای جنت مکان، حسین. (۱۳۹۶). حقوق دادرسی (دادگرانه) عادلانه و منصفانه. چاپ اول. انتشارات جنگل جاودانه.
- اشراقی، لایلا؛ طه، فریده. (۱۳۸۴). دادرسی عادلانه. چاپ اول. انتشارات میزان.
- افتخاری جهرمی، گودرز. (۱۳۹۵). سالنامه حقوق بین الملل و تطبیقی. چاپ اول. انتشارات گنج دانش و داد آفرین.
- تدین، عباس، باقری نژاد، زینب. (۱۳۹۰). تضمین دادرسی منصفانه در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری. مجله تحقیقاتی حقوقی، ۱۴(۵۳)، ۲۴۲-۲۱۵.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=161596>
- جعفری، فریدون. (۱۳۹۰). دیوان کیفری بین المللی و جهانی سازی حقوق کیفری. چاپ اول. انتشارات میزان.
- جلالی، محمود؛ زیلابی، سلمان. (۱۳۹۴). اصل استقلال قضایی در دیوان کیفری بین المللی. مجله پژوهش های حقوقی، ۱۸(۲)، ۴۷-۲۳.
- <http://ensani.ir/fa/article/344907/>
- دبیری، محمدرضا. (۱۳۹۵). حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی. انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۸). مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی. چاپ اول. انتشارات میزان.
- سلیمی، صادق. (۱۳۹۱). جنایات سازمان یافته فراملی. انتشارات جنگل. جاودانه.
- سیاه رستمی، هاجر. (۱۳۹۰). قواعد اساسی کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹، و پروتکل های الحاقی. چاپ سوم. انتشارات سرم.
- صابر، محمود. (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری بین المللی. انتشارات داد گستر.
- صانعی، پرویز. (۱۳۸۱). حقوق و اجتماع، رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی. انتشارات طرح نو.
- طلعت، آرمین. (۱۳۹۴). حمایت بین المللی از حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه. چاپ اول. انتشارات شهر دانش.
- عابدینی، عبدالله. (۱۳۹۴). حقوق بین الملل کیفری؛ نظریه و رویه. چاپ اول. انتشارات شهر دانش.
- فلک، دیتر. (۱۳۹۵). حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه. ترجمه: سید قاسم زمانی و نادر ساعد. چاپ چهارم. انتشارات شهر دانش.
- قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۹۰). حقوق بشر در جهان معاصر. مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- قاسمی شوب، احمدعلی. (۱۳۸۳). نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین الملل با تأکید بر اسناد بین المللی حقوق بشر. مجله حقوق بین المللی، ۳۱(۳)، ۱۶۹-۱۱۹.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=50571>
- کاسسه، آنتونی. (۱۳۸۸). حقوق بین الملل. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. چاپ دوم. انتشارات میزان.



- کلاپهام، اندرو. (۱۳۸۹). مقدمه ای کوتاه بر حقوق بشر. ترجمه مینو آقایی خوزانی. چاپ اول. انتشارات گرایش.
- مرون، تئودور. (۱۳۹۱). مجله حقوقی بین‌المللی. ترجمه پوریا عسکری. انتشارات مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری.
- ممتاز، جمشید؛ قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۵). چارچوب هنجاری نظام بین‌الملل حقوق بشر و بشردوستانه. مجله حقوقی نامه مفید، ۱۲(۵۵)، ۱۸-۳.
- <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=62118>
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. چاپ سوم. انتشارات اطلاعات.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۸). حقوق بشر و راهکارهای اجرایی آن. چاپ اول. انتشارات اطلاعات.
- والاس، ریکا. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل. ترجمه سید قاسم زمانی. چاپ سوم. انتشارات شهر دانش.
- یورگن. (۱۳۸۰). جهانی شدن و آینده دموکراسی، منظومه پساملی. ترجمه کمال پولادی. انتشارات مرکز.
- Bingham, Tom. (2010). *The Rule of Law 5 (Citing Judith N. Shklar, political theory and the rule of law)*, in the rule of law. Oxford University Press.
- Finday, Lorraine. (2009). does the international Criminal Court protect Against Double Jeopardy: An Analysis of Article 20 of the Rome Statute. *Journal of International Law & - Policy*, 15(2), 221 – 248. <https://researchrepository.murdoch.edu.au/id/eprint/14762/>
- Stein, Robert. (2009). Rule of Law: What Does it Mean?. *Journal of International Law*, 18(250), 1 – 293. <https://scholarship.law.umn.edu/mjil/250>
- Tiburcio, Carmen. (2001). *The Human Rights of Aliens under International and Comparative Law*. Vol. 65. Mattinus Nijhoff Publishers.